



در این سریال موضوعات مختلفی از روابط خانوادگی گرفته تا خیر و شر، تقابل خوب و بد، خیانت، رفاقت و... مطرح می شود؛ مسائلی که تاریخ انقضا ندارد و همیشه به شکلی با آدم ها همراه است. شخصیت من هم از ابتدا منفی نبوده و شرایط زندگی از او یک هیولا می سازد.

فانجیک

ویژه نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم  
شنبه ۴ تیر ۱۴۰۱ • شماره ۸۰۴

گزارش ویژه



بیژن بنفشه خواه از انتخاب نقش منفی اش در سریال تازه شبکه یک گفت

## بعد از «مستوران» شاید به کما بروم

«مستوران» بهانه ای شده که بیژن بنفشه خواه را در قالبی غیر از نقش هایی که تا امروز از او دیده ایم، تماشا کنیم. این بار نه تنها سریال طنز نیست بلکه این بازیگر نقشی منفی را در دل تاریخ بازی می کند؛ اتفاقی که پیشتر تجربه آن را به این صورت نداشته و همین باعث شده تا با چهره ای کاملاً تازه از جناب بنفشه خواه مواجه شویم. او در گفت و گویی که داشتیم از فراز و فرودهایی که در ایفای این نقش و حضورش در مستوران با آن روبه رو شد، گفت.

سکانس ها بود که من گفتم چرا این سکانس را ابتدا گذاشتید؟ منتها باز هم آقای حاتمی به کمکم آمدند و اگر خوب شده باشد، بخش زیادی از این اتفاق به دلیل راهنمایی های ایشان است.

❗ **ونگران نبودید که مخاطب این حد از منفی بودن نقش را پس بزند؟**

این نگرانی بابت انتخاب نقش سر هر کاری وجود دارد و حالا در این مجموعه بیشتر هم شده است. هنوز هم به بچه ها می گویم شاید بعد از این کار یکدفعه به کما بروم یا از سوی دیگر منفجر شوم و پرمشغله. پیش بینی نتیجه نهایی آن خیلی سخت است و در این مسیر من ابتدا به اعتمادی که به آقای حاتمی داشتم آن را پذیرفتم و ادامه دادم چون می دانستم اگر خوب بازی نکرده باشم ایشان می گوید نه، خوب نیست.

❗ **دیالوگ هادر «مستوران» روان تر از خیلی از فضاهای تاریخی است که آن را دیده ایم، با این حال هنوز وجه تاریخی گوییشان را تا حدی دارند. شما در این بخش چطور از پس آنها برآمدید؟**

دیالوگ های این کار به نسبت خیلی از آثار تاریخی مثل مختار و... عامیانه تر است و این جریانی است که از ابتدا به دنبال آن بودیم. مثلاً در روزهای اول به کارگردان هم در مورد بعضی بخش ها انتقاد می کردم و می گفتم که این دیالوگ ها سنگین است و مگر شکسپیر است که اینطور باید صحبت کنیم! من خودم بعضی از کلمات را نمی فهمیدم در این شرایط یک خانواده چطور می خواستند پای آن بنشینند و با آن ارتباط برقرار کنند؟ در ادامه آنها مدام اصلاح شدند و الان به نظر من از لحاظ دیالوگ به نسبت قسمت های اول دیالوگ ها خیلی روان تر شده اند.

❗ **در آخر فکر می کنید مردم چقدر با داستانی که در بیشتر از ۵۰۰ سال پیش می گذرد، ارتباط برقرار کنند؟**

این سوال سختی است که باید بگذاریم ببیند درباره اش صحبت کند اما در این سریال موضوعات مختلفی از روابط خانوادگی گرفته تا خیر و شر، تقابل خوب و بد، خیانت، رفاقت و... مطرح می شود؛ مسائلی که تاریخ انقضا ندارد و همیشه به شکلی با آدم ها هستند. شخصیت من هم از ابتدا منفی نبوده و شرایط زندگی از او یک هیولا می سازد. مثلاً نقش لیث که شخصیت مثبت قصه است و حمیدرضا آذرنگ آن را بازی می کند، یکی از ضربه های سخت را ناخواسته به او زده و باعث شده تا او آن قدر هیولا شود.



## دریم!

جنبه های ایرانی روایت و تصویر اولین کاری بود که دلم می خواست در این پروژه اتفاق بیفتد. او همچنین از جای خالی چنین قصه هایی در تلویزیون گفت و با اشاره به مسیری که مستوران برای اشاعه فرهنگ می تواند طی کند، گفت: من فکر می کنم اتفاقی که جایش در رسانه ملی خیلی خالی است، فرهنگ سازی است. این که شما فیلم یا سریالی را تولید کنید و چند بار از شبکه های مختلف آن را پخش کنید، اصلاً موجب فرهنگ سازی نمی شود. زمانی این اتفاق می افتد که آن کار بین مردم نفوذ کند. در همین مجموعه ما سیر و مسیری را داریم که قهرمان مان طی می کند تا فرزند گمشده اش را پیدا کند، این جریان مبتنی به تفکر شرقی و حتی ایرانی - اسلامی است. این که می گویند باید مراتبی را طی کنیم تا به کمال برسیم. همه اینها می تواند در قالب یک بازی، مرحله بندی و عرضه شود. این موارد اتفاقاتی اند که تأثیرات آن مجموعه و مضامینش را ماندگار می کند، بعد هم رفته رفته به فرهنگ تبدیل می شود. با این حال ما اغلب یک سریال یا اثر را می سازیم و بعد رهایش می کنیم اما «مستوران» به شدت این ظرفیت را دارد که تبدیل به یک اثر ماندگار شود و تا سال ها از یادمان نرود.

## ناست



کنیم که آدم ها آمدند و زندگی ها هم همان زندگی هستند. اتفاقاً ما باید مخاطب را با این نوع نگاه جذب کنیم. این ماجرا برای من خیلی مهم بود که زندگی در بازی ام جریان داشته باشد و مرا تبدیل به انسانی نکند که بیننده بگوید او چرا این طور حرف می زند و راه می رود؟! او در آخر درباره باز خوردی که مردم خواهند داشت، خاطرنشان کرد: مستوران در واقع ملودرامی است که لباس تاریخی تن کرده. همچنین در مستوران هیچ بحث ایدئولوژیک وجود ندارد و قصه یکسری آدم ها و زندگی هاست که به افسانه و تخیل و رویا پردازی نویسنده گره خورده است، اتفاقی که آن را جذاب تر هم می کند و مخاطب را با خود همراه می کند.